



پیوند آیات سوره‌های قرآن در تفسیر فی ظلال

محمد بهرامی

عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

چکیده:

نویسنده تفسیر فی ظلال میان آیات قرآن ارتباط می‌بیند و این ارتباط را با عناوینی چون موضوع، هدف، جو، محور و شخصیت بیان می‌کند. یکی از عوامل ارتباط میان آیات، موضوع سوره است. سید قطب موضوعی مداری سوره‌های قرآن را باور دارد و در جای جای تفسیر خویش برخی سوره‌ها را تک موضوع و شماری را چند موضوع معرفی می‌کند. عامل دیگر پیوند آیات، غرض سوره است. نویسنده تفسیر فی ظلال هدفمندی سوره‌های قرآن را پذیراست و بسیاری از سوره‌ها را تک هدف و برخی را چند هدف می‌خواند. جو سوره یکی دیگر از عوامل ارتباط میان آیات است. سید قطب هر سوره را دارای یک جو می‌داند و این جو را حاکم بر تمامی آیات یک سوره می‌شناسد. محور و شخصیت سوره از عوامل دیگر پیوند میان آیات معرفی شده است.

به باور سید قطب موضوع مداری، هدفمندی، جو، محور و شخصیت سوره منوط به نزول دفعی نیست، بلکه در صورت نزول تدریجی سوره نیز مباحث یاد شده در خور بحث و بررسی است. نام سوره و مکی یا مدنی بودن آن از نشانه‌های مهم موضوع شناسی سوره است. سید قطب شناخت آیات مکی و مدنی و اعجاز قرآن را از فواید اصلی بحث پیوند آیات معرفی می‌کند. شوط، جوله، مقطع، موج، درس و شطر از عناوینی است که سید قطب برای دسته بندی آیات سوره‌های قرآن سود می‌برد.

کلید واژه‌ها:

تفسیر فی ظلال / سید قطب / هدفمندی سوره‌ها / جو سوره

تفسیر «فی ظلال القرآن» یکی از آثار ارزشمند و گرانقدر سید قطب است. این تفسیر از یک مقدمه کوتاه هشت صفحه‌ای و یک ذی مقدمه چهار هزار صفحه‌ای شکل گرفته است.

در ذی مقدمه، 114 سوره قرآن به صورت ترتیبی به تفسیر گرفته شده است. سید قطب در تفسیر برخی سوره‌ها نخست یک مقدمه می‌آورد و در تفسیر شماری دیگر بدون مقدمه به تفسیر آیات می‌پردازد. برای نمونه در تفسیر سوره بقره، نخست نزول تدریجی سوره بقره و مرتب سازی آیات قرآن را به بحث و بررسی می‌گیرد و در ادامه موضوعات، جو، محور و شخصیت سوره بقره را به تبیین و تحلیل می‌نشیند و در برخی سوره‌های دیگر چون حدید، مجادله، حشر و بسیاری دیگر از سوره‌های قرآن، بی مقدمه به تفسیر آیات می‌پردازد.

نویسنده تفسیر فی ظلال میان آیات سوره‌های قرآن ارتباط می‌بیند و این پیوند میان آیات را با عناوینی خاص برقرار می‌کند. برای نمونه به کمک موضوع مشترک میان آیات در ارتباط آیات می‌کوشد، چنان که از غرض آیات، جو سوره و شخصیت سوره به عنوان دیگر عوامل ارتباط میان آیات بهره می‌گیرد.

بنابراین شایسته است در این نوشتار نگاهی داشته باشیم به نظرگاه سید قطب در بحث وحدت موضوعی، وحدت هدف سوره‌ها، جو سوره، محور سوره و شخصیت سوره.

موضوع مداری سوره‌ها

برخی ارتباط میان آیات را باور نداشته و موضوع داری سوره‌های قرآن را منکرند. به اعتقاد این گروه، نزول آیات وحی به مناسبت‌های مختلف سد بزرگی در برابر تناسب آیات و موضوع مداری سوره‌هاست.

گروهی دیگر ارتباط آیات را پذیرفته و از این ارتباط به موضوع مداری سوره‌های قرآن پل می‌زنند.

شماری نیز در برخی سوره‌های قرآن موضوع مدارند و در برخی دیگر منکر موضوع مداری.



به باور گروه سوم ارتباط میان آیات برخی سوره‌های قرآن و شناخت موضوع مشترک میان تمامی آیات واضح و آشکار است. اما در برخی سوره‌ها برقراری ارتباط بسیار پر تکلف است و رسیدن به موضوع سوره بسیار دشوار و سخت. در این میان سید قطب از ارتباط میان آیات دفاع می‌کند و در جای جای تفسیر خویش از موضوع یا موضوعات سوره‌ها سخن می‌گوید. به باور سید قطب شماری از سوره‌های قرآن تک موضوع و تعدادی چند موضوع است. برای نمونه سوره عنکبوت با موضوع ایمان در شمار سوره‌های تک موضوع قرار می‌گیرد و سوره نمل با موضوع الوهیت، وحی و بعث، از سوره‌های چند موضوع شناخته می‌شود.

نظریه وحدت موضوعی

آنان که موضوع مداری قرآن را باور دارند، در بحث وحدت موضوعی سوره با یکدیگر اختلاف دارند: شماری در تمامی سوره‌های قرآن از وحدت موضوعی دفاع می‌کنند و برای هر سوره قرآن یک موضوع واحد یاد می‌کنند. گروهی دیگر منکر وحدت موضوعی در تمامی سوره‌ها هستند. به باور این گروه نظریه وحدت موضوعی در برخی سوره‌های قرآن در خور دفاع است، اما در تعدادی دیگر به هیچ وجه دفاع پذیر نیست. سید قطب از میان دو نظریه یاد شده دیدگاه دوم را می‌پذیرد. او در مواردی از موضوع واحد یک سوره سخن می‌گوید، در مواردی دیگر از چند موضوعی یک سوره بحث می‌کند، در برخی موارد از یک موضوع اصلی و چند موضوع فرعی و تبعی دفاع می‌کند و در پاره‌ای از موارد از چند موضوع اصلی و موضوعات فرعی دیگر برای یک سوره سخن می‌گوید. جمع میان سخنان یاد شده نشان از همفکری نویسندگان تفسیر فی ظلال با مخالفان وحدت موضوعی سوره‌های قرآن دارد.

بر این اساس سید قطب در مورد سوره‌های تک موضوع، معتقد به وحدت موضوعی است. چنان که در مورد گروهی از سوره‌های چند موضوع که دارای یک موضوعی اصلی هستند، مدافع وحدت موضوعی جلوه می‌کند.

برای نمونه سوره انعام را که در شمار سوره‌های چند موضوع می‌داند، دارای یک موضوع اساسی می‌داند که آن موضوع، تقریر حقیقت الوهیت، آشنا ساختن مردم با حق تعالی و عبودیت ایشان نسبت به آفریدگار هستی است. (سید قطب، 1025/2)

هم ایشان سوره یونس را چند موضوع می‌خواند و موضوع اصلی آن را الوهیت و عبودیت معرفی می‌کند و دیگر موضوعات این سوره چون وحی، آخرت و رسالت پیشینیان را در خدمت موضوع اصلی می‌داند.

هر چند سید قطب در تمامی سوره‌های تک موضوع و یک بخش از سوره‌های چند موضوع مدافع وحدت موضوعی است، اما در بخش دوم سوره‌های چند موضوع که دارای تعدادی موضوع اصلی و شماری موضوع فرعی است، به نظریه وحدت موضوعی تن نمی‌دهد و طرفدار نظریه چند موضوعی می‌نماید.

بنابراین در نظرگاه سید قطب، سوره نمل (که چند موضوع است و تعدادی موضوع اصلی و شماری موضوع فرعی دارد) وحدت موضوعی ندارد.

اعتقاد سید قطب به وحدت موضوعی نه تنها در مورد سوره‌های کم موضوع، بلکه در مورد سوره‌های پر موضوع نیز صادق است.

بر این اساس سید قطب برای سوره بقره به عنوان پر موضوع‌ترین سوره قرآن یک موضوع اصلی بیان می‌کند و آن موضوع را ایجاد آمادگی جامعه اسلامی مدینه برای انجام تکالیف می‌داند. (275/1)

در نگاه سید قطب برخی از سوره‌های قرآن از جهت موضوع همانند یکدیگر هستند، اما از جهت طرح و شکل بحث با یکدیگر متفاوت هستند. بنابراین در این گونه سوره‌ها شبهه تکرار رخ نمی‌دهد.



برای نمونه سوره‌های مکی قرآن در موضوع با یکدیگر مشترکند، اما اسلوب و روش آنها در طرح موضوع با هم متفاوت است. چنان که سوره‌های مدنی قرآن اشتراک در موضوع دارند و تفاوت در طرح و شکل عرضه موضوع واحد. موضوع سوره جمعه همان موضوع سوره صف است و تنها تفاوت آنها در طرح و شکل عرضه موضوع است.

موضوع سوره سجده موضوع سوره‌های مکی است، با این تفاوت که هر سوره‌ای از سوره‌های قرآن به شکل و اسلوب خاصی این گونه موضوعات را عرضه داشته است. (2802/5)

به باور سید قطب، جو سوره، سیاق و نام سوره از موضوع سوره حکایت دارد، چنان که آیات پایانی برخی از سوره‌های قرآن از موضوع سوره پرده برمی‌دارد. برای نمونه جو و سیاق سوره روم به موضوع اصلی این سوره رهنمون می‌سازد (2756/5)، نام قتال (اسم دیگر سوره محمد) (3278/6) و مؤمنون (2452/4) کاشف موضوع این دو سوره است و آیات 285-286 بقره و آیات پایانی سوره آل عمران، فشرده‌ای از موضوع این دو سوره است. (356/1)

هدفمندی سوره‌های قرآن

علم مقاصد سوره‌ها یکی از دانش‌های مهم و تأثیر گذار در فهم آیات وحی است. بر این اساس، شاطبی فراخوان به تدبیر در آیه (أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا) (نساء/82) را بدون نظر داشت اغراض سوره ناممکن می‌خواند؛

«التدبر انما يكون لمن التفث الى المقاصد.» (شاطبی، 287/3)

«تدبر در آیات وحی برای کسی امکان پذیر است که به مقاصد آیات توجه داشته باشد.»

سید قطب هدفمندی سوره‌های قرآن را می‌پذیرد. به باور او وحدت هدف تنها در سوره‌های تک موضوع دیده نمی‌شود، بلکه در سوره‌های چند موضوع نیز وحدت هدف در خور رهگیری است. برای نمونه سوره مائده موضوعات

گونناگونی را در خود جای داده است و به این اعتبار باید تعدد هدف داشته باشد، در صورتی که تمامی این موضوعات یک هدف واحد را دنبال می‌کنند و همان هدف نقطه اتصال میان تمام موضوعات سوره مائده است؛

«الرباط بينها جميعا هو هذا الهدف الاصيل الذي جاء القرآن كله لتحقيقه: انشاء امة، و اقامة دولة، و تنظيم مجتمع على اساس من عقيدة خاصة و تصور معين و بناء جديد.» (852/2)

«حلقه اتصال تمام موضوعات سوره مائده همان هدفی است که قرآن به واسطه آن هدف فرود آمده است؛ ساخته و پرداخته کردن یک امت، برپایی حکومت و استوار سازی جامعه بر اساس عقیده‌ای خاص و تصویری معین با ساختاری جدید.»

در سوره آل عمران نیز غرضی معین و واحد وجود دارد (555/1)، چنان که در سوره نساء (615/2) و مائده (966/2) هدف و اهدافی چند دنبال می‌شود.

به باور سید قطب، اشتراک موضوعی میان دو یا چند سوره به اشتراک در هدف نمی‌انجامد، چه اینکه ممکن است طرح یک موضوع در چند سوره با چند هدف مختلف انجام گرفته باشد. برای نمونه طرح موضوع توبه در سوره نساء با هدف تبیین حقیقت توبه و طبیعت آن است و طرح همین موضوع در سوره آل عمران با هدف بیان احکام توبه و امید بخشی به گناهکاران. (603/1)

در نظرگاه سید قطب نه تنها سوره‌های قرآن، بلکه تمامی کلمات، جملات، ایما، اشاره و داستان پیامبران هدفمند است و همگی در خدمت هدف سوره‌ها قرار می‌گیرند. (1851/4)

برای نمونه از مجموع 227 آیه سوره شعراء، 180 آیه آن در مورد داستان پیامبران است که این تعداد آیه با مقدمه و ذی المقدمه سوره همگی به روش‌های گوناگون یک هدف واحد را دنبال می‌کنند و از این رو در هر قصه، حلقه یا حلقه‌هایی بیانگر هدف سوره است. (2584/5)



چنان که هر یک از قصص سوره نمل تأمین کننده بخشی از هدف این سوره است و قصه موسی در سوره اعراف نیز هماهنگ با هدف این سوره قرار گرفته است. (2917/5)

هر چند در تفسیر فی ظلال، نویسنده بیشتر معتقد به وحدت غرض نشان می‌دهد، اما در مواردی از تعدد هدف سخن می‌گوید. برای نمونه سوره صف را دارای دو هدف اساسی می‌داند که بر تمامی آیات این سوره سایه افکننده است: هدف نخست تفهیم این حقیقت که دین اسلام همان منهج الهی است که در صورت پایانی آن نمود و بروز یافته است و به همین جهت در این سوره از رسالت موسی و اذیت و آزار قوم او سخن گفته شده است و در مرحله بعد رسالت عیسی در امتداد رسالت موسی به بحث گرفته شده است.

هدف دوم متوجه ساختن مسلمانان نسبت به مسئولیت الهی خویش و برابری رفتار و گفتار. (3550/6)

محور سوره

عامل دیگر پیوند میان آیات یک سوره محور آن سوره است. سید قطب با کشف محور سوره میان آیات سوره ارتباط برقرار می‌کند. او هر سوره قرآن را دارای یک محور واحد می‌داند (1105/2) و تمامی موضوعات و مباحث یک سوره را حول همان محور در حرکت می‌بیند.

برای نمونه برای سوره بقره به عنوان پر موضوع‌ترین سوره قرآن، یک محور تعریف می‌کند و این محور را دارای دو خط اساسی در یکدیگر تنیده معرفی می‌کند.

خط نخست این محور درباره موضع بنی اسرائیل در برابر دعوت به اسلام، رو در رویی با پیامبر و مسلمانان و هر آنچه به این موقف وابسته است، مانند علاقه میان یهود و منافقان از یک سو و خلافت در زمین پس از طفره رفتن بنی اسرائیل از سویی دیگر می‌باشد.

خط دوم درباره موقف مسلمانان از اول شکل‌گیری و آمادگی ایشان برای حمل امانت الهی و خلافت در زمین پس از طفره رفتن بنی‌اسرائیل از حمل آن و نقض عهد خداوند می‌باشد.

خط اول محور سوره بقره از آیه نخست شروع می‌شود و تا آیه 141 ادامه می‌یابد و خط دوم از آیه 142 شروع و به آیه 286 خاتمه می‌یابد.

به باور سید قطب هر چند در خط اول ده‌ها آیه وجود دارد و در این آیات موضوعات بسیاری به بحث گذاشته شده است، اما تمامی این آیات و موضوعات را می‌توان به موضع بنی‌اسرائیل در برابر فراخوان اسلام و مخالفت ایشان با پیامبر و مسلمانان و اتحاد میان ایشان و منافقان و کافران مرتبط دانست. چنان‌که 145 آیه دیگر (142-286) با وجود موضوعات متنوع و بسیار، در خور بازگشت به یک موضوع کلی است که سید قطب از آن به خط موضع مسلمانان در برابر فراخوان اسلام و حمل امانت الهی توسط ایشان تعبیر می‌کند.

چنان‌که هر یک از سوره‌های مؤمنون، شعراء، اسراء، کهف، مریم و عنکبوت یک محور واحد دارند؛ محور سوره مؤمنون ایمان با تمامی قضایا و دلایل و صفات آن است (2452/4)، محور سوره مؤمنون انذار و تکذیب (2584/5)، محور سوره اسراء شخص پیامبر (2208/4)، محور سوره کهف تصحیح عقیده و روش فکر و نظر (2256/4)، محور سوره مریم توحید و نفی ولد و شریک (2299/4) و محور سوره عنکبوت ایمان. (2718/5)

جو سوره

جو، اصطلاح دیگری است که سید قطب برای بیان ارتباط میان آیات به کار می‌برد. در نگاه نویسنده فی ظلال هر سوره قرآن جو خاصی دارد و این جو تنها در سوره‌های کوتاه یا متوسط قرآن نیست، بلکه در سوره‌های بلند قرآن نیز وجود دارد. بر این اساس سید قطب جو سوره بقره را شناسایی کرده و به صورت مفصل آن را به بحث گرفته است. (791/2)



نویسنده تفسیر فی ظلال جو سوره را در ارتباط شدید با موضوعات سوره می‌بیند و سازنده جو سوره را موضوعات سوره می‌شناسد، هر چند در برخی موارد یک یا چند موضوع بیشترین تأثیر را در جو سوره می‌گذارد و سازنده اصلی جو سوره شناخته می‌شود.

برای نمونه از میان عقایدی که در سوره ابراهیم به بحث و بررسی گذاشته شده، دو عقیده بر جو سوره ابراهیم تأثیر گذار می‌نماید: یکی وحدت رسالت، رسل و دعوت ایشان و دیگری حقیقت نعمات الهی بر بشر و ناشکری بیشتر مردمان. (2077/4)

در نظرگاه سید قطب جو سوره دو فایده اساسی دارد: فایده نخست کشف بستر نزول سوره و فایده دوم شناخت موضوع اصلی سوره. برای نمونه از جو سوره آل عمران به این نتیجه می‌رسد که این سوره در فترت اولی از هجرت فرود آمده است و به کمک جو سوره روم موضوع اصلی این سوره را ارتباطات پیوسته و عمیق میان مردم و وقایع زندگی گذشته بشر و حال و آینده او و سنت‌های هستی و نوامیس وجود می‌داند. (2756/5)

شخصیت سوره

سید قطب در جای جای تفسیر خویش از شخصیت مستقل هر سوره سخن می‌گوید. برای نمونه سوره بقره (791/2)، انعام (1015/2)، اعراف (1243/3) و یونس (1746/3) را دارای شخصیتی مستقل و واحد می‌خواند.

به باور نویسنده فی ظلال چنان که هر یک از انسان‌ها در اعضا و جوارح با یکدیگر مشترکند و اختلاف ایشان در شخصیت مستقل و ویژه آنهاست، سوره‌های قرآن نیز با وجود مشترکات بسیار در شخصیت از یکدیگر متمایز هستند و هر سوره شخصیت مستقل و خاص خود را دارد. (1243/3)

در نظرگاه سید قطب تعدد موضوعات سوره نافی وحدت شخصیت سوره نیست، چه اینکه در سوره‌های چند موضوع یا پرموضوع تمامی موضوعات بر

محور واحدی می‌چرخند و این محور واحد در نهایت شخصیت واحد و متمایز سوره را می‌سازد. (555/1)

برای نمونه در سوره بقره تمامی موضوعات حول یک محور حرکت می‌کند و این محور در نهایت شخصیت واحد سوره را می‌سازد و سوره بقره را از دیگر سوره‌های هم موضوع متمایز می‌کند. (33/1)

مبانی بحث

برخی موضوع داری سوره‌های قرآن را به نوع نزول قرآن ارتباط می‌دهند. به باور ایشان بحث پیوند موضوعی آیات یک سوره در صورتی پذیرفته شده است که سوره مورد نظر نزول یکباره داشته باشد، اما اگر سوره نزول تدریجی داشته باشد و بر اساس وقایع و حوادث مختلف فرود آمده باشد، در این صورت تصور یک موضوع واحد برای سوره دشوار است.

سید قطب بر خلاف گروه یاد شده، ناسازگاری میان موضوع داری یا غرض داری یک سوره با شکل نزول سوره را بر نمی‌تابد و از موضوع مداری آیات حتی در صورت نزول تدریجی سوره دفاع می‌کند.

به باور ایشان نه تنها موضوع مداری سوره با نزول تدریجی سوره ناسازگار نیست، بلکه هدفمندی سوره‌های قرآن و داشتن جو، محور و شخصیت سوره نیز با نزول تدریجی سوره ناسازگار نمی‌نماید. برای نمونه آیات سوره بقره با وجود نزول تدریجی ۱۰ ساله که از اول هجرت شروع شده و تا اواخر هجرت ادامه یافته است، بر محور خاصی می‌چرخد و جو خاصی بر آیات این سوره سایه افکنده و شخصیت ویژه‌ای پیدا کرده است.

برخی مبنای دوم بحث موضوع مداری قرآن را توقیفی دانستن ترتیب آیات می‌دانند. به باور ایشان اگر مرتب سازی آیات قرآن اجتهادی باشد، در این صورت بحث ارتباط آیات و موضوع مداری آنها بیهوده جلوه می‌کند.

سید قطب این مبنا را می‌پذیرد و بر این اساس از توقیفی بودن ترتیب آیات قرآن سخن می‌گوید و از روایت عثمان و برخی دیگر از مستندات روایی برای



اثبات درستی نظریه خویش بهره می‌برد و از این رو پس از بحث توقیفی بودن ترتیب آیات می‌گوید:

«از این جهت کسانی که در سایه قرآن زیسته‌اند، برای هر سوره قرآن شخصیت مستقل می‌شناسند... و برای سوره موضوع رئیسی یا چند موضوع رئیسی معرفی می‌کنند که بر محور خاصی می‌چرخد...» (28/1)

هم ایشان اطمینان به ترتیب نزول سوره‌ها را ناممکن می‌داند و روایات رسیده را ناظر به ترتیب آیات می‌داند، نه ترتیب سوره‌ها. نویسنده تفسیر فی ظلال کشف ترتیب سوره‌های قرآن را بسیار پر اهمیت می‌خواند، اما نتایج بحث را ظنی می‌شناسد و برای این نتایج پیامدهای ناگواری می‌بیند.

روش شناسی کشف موضوع

سید قطب برای کشف موضوع سوره از شواهد و دلایل گوناگونی سود می‌برد. یکی از روش‌های نویسنده فی ظلال در کشف موضوع سوره، شناسایی مکی یا مدنی بودن سوره است. به باور سید قطب با کشف مکی یا مدنی بودن سوره، دست یابی به موضوع سوره آسان خواهد بود. چه اینکه در سوره‌های مکی موضوعات و اهداف خاصی دنبال می‌شود و در سوره‌های مدنی موضوعات و اغراضی دیگر.

در سوره‌های مکی موضوع بیشتر از اصول عقاید است؛ مانند وحی، رسالت، توحید، بعث و حساب، جزا و ... (2077/4)

بنابراین هر سوره‌ای که در شمار سوره‌های مکی قرآن قرار می‌گیرد، همان موضوع سوره‌های مکی را با تفاوت در طرح و روش به بحث و بررسی می‌گذارد. برای نمونه سوره ابراهیم عقاید اصلی را به بحث گرفته است و در این میان دو عقیده بر جو سوره ابراهیم سایه افکنده است: الف) حقیقت رسالت و رسل ب) حقیقت نعمت خدا بر بشر. (2077/4)

سوره نمل نیز از آن جهت که در شمار سوره‌های مکی قرار دارد، اشتراک موضوعی با سوره‌های مکی خواهد داشت. در این سوره موضوع اصلی الوهیت، وحی و بعث است. (2158/4)

چنان که موضوع سوره سجده نیز همان موضوع سوره‌های مکی است و خدا شناسی، تصدیق به رسالت پیامبر، اعتقاد به قیامت و حساب و جزا از موضوعات اصلی آن شناخته می‌شود. (2802/5)

روش دیگر سید قطب در موضوع شناسی سوره‌ها، بهره‌گیری از نام سوره است. به باور سید قطب نام سوره به خصوص با توقیفی بودن نامگذاری سوره‌ها، نشانه بسیار خوبی برای تعیین موضوع سوره است. برای نمونه نام سوره‌ای که «مؤمنون» خوانده می‌شود، از موضوع این سوره حکایت دارد، به این جهت سید موضوع این سوره را ایمان و دلایل و صفات آن می‌داند. (2452/4) چنان که هم ایشان موضوع سوره محمد را قتال می‌داند و این موضوع را برگرفته از نام دیگر سوره محمد (قتال) می‌خواند. (3278/6)

فواید بحث

فوایدی چند برای بحث پیوند موضوعی آیات وجود دارد:

1. شناخت آیات مکی و مدنی

یکی از نشانه‌های مکی یا مدنی بودن آیات، ارتباط موضوعی آیات با یکدیگر است. در برخی سوره‌های مکی، روایات و نظریاتی بر مدنی بودن یک یا چند آیه وجود دارد، چنان که در برخی سوره‌های مدنی نیز نظریاتی بر مکی بودن چند آیه وجود دارد. در این موارد بهترین ملاک برای سنجش درستی و نادرستی نظریات، پیوند موضوعی آیات با یکدیگر است.

برای نمونه سوره یونس در شمار سوره‌های مکی قرار گرفته است. اما برخی، آیات 40، 94، 95 و 96 این سوره را از آیات مدنی قرآن می‌شناسند.



سید قطب در بررسی این نظریه، از ارتباط این آیات با دیگر آیات سوره یونس به عنوان دلیلی بر نادرستی این مطلب سود می‌برد. به باور او مدنی بودن این آیات پیوند میان آنها با سیاق پیشینی و پسینی را از بین می‌برد، بنابراین برای حفظ پیوند آیات باید این چند آیه را در شمار آیات مکی قرار دهیم. (1725/3)

همو از پیوند آیات نخست سوره یوسف با داستان یوسف 7، مکی بودن این آیات را نتیجه می‌گیرد و نظریه مدنی بودن سه آیه نخست این سوره را نادرست می‌خواند. به باور سید قطب آیه اول و دوم سازگار با جو قرآن مکی است و آیه سوم نیز مقدمه‌ای برای داستان یوسف است. (1950/4)

2. اعجاز قرآن

شماری از قرآن پژوهان وحدت موضوعی را بر نمی‌تابند و تعدد موضوع را از وجوه اعجاز می‌شناسند. به باور این گروه یک نواختی آیات و سخن گفتن از یک موضوع خسته کننده است و با ذائقه تنوع طلبی خواننده قرآن ناسازگار.

گروهی دیگر وحدت موضوعی را پذیرفته، پراکنده گویی قرآن را ناسازگار با اعجاز قرآن دانسته و با کوشش بسیار وحدت موضوعی سوره‌ها را دنبال می‌کنند.

در این میان سید قطب نظریه وحدت موضوعی را سازگار با اعجاز قرآن می‌شناسد و دیدگاه تعدد موضوع را ناسازگار با اعجاز قرآن می‌بیند. به باور ایشان تناسب و ارتباط نظم در تقریر، با موضوع، جو و سیاق در عرضه بحث، از وجوه مهم اعجاز قرآن است. (2366/4)

هم ایشان ارتباط میان آغاز و انجام سوره احزاب و پیوند آنها با موضوع این سوره را معجزه می‌بیند و آن را رساننده به مصدر اصلی قرآن معرفی می‌کند. (2586/5)

ارتباط موضوعی میان آغاز و پایان سوره

سید قطب کوشش بسیار در برقراری ارتباط موضوعی میان آغاز و انجام سوره‌ها دارد. بر این اساس پایان بقره را در ارتباط با آغاز آن می‌بیند. (277/1)

پایان سوره بقره در حقیقت ایمان، ایمان به تمامی انبیای الهی، کتاب‌های آسمانی، غیب و ماوراء الطبیعه است؛

(أَمِنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ* لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إِصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَاعْفُرْ لَنَا وَارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ) (بقره/285-286)

«پیامبر، به آنچه از سوی پروردگارش بر او نازل شده، ایمان آورده است. و همه مؤمنان، به خدا و فرشتگان او و کتاب‌ها و فرستادگانش ایمان آورده‌اند؛ ما در میان هیچ یک از پیامبران او فرق نمی‌گذاریم. و گفتند: ما شنیدیم و اطاعت کردیم. پروردگارا! آموزش تو را؛ و بازگشت به سوی توست. خداوند هیچ کس را جز به اندازه توانایش تکلیف نمی‌کند. هر کار را انجام دهد، برای خود انجام داده، و هر کار کند، به زیان خود کرده است. پروردگارا! اگر ما فراموش یا خطا کردیم، ما را مؤاخذه مکن. پروردگارا! تکلیف سنگینی بر ما قرار مده، آنچنان که بر کسانی که پیش از ما بودند، قرار دادی. پروردگارا! آنچه طاقتم تحمل آن را نداریم، بر ما مقرر مدار و آثار گناه را از ما بشوی. ما را ببخش و در رحمت خود قرار ده. تو مولا و سرپرست مایی، پس ما را بر جمعیت کافران پیروز گردان.»

همو آخرین آیه سوره بقره را اشاره به تاریخ بنی اسرائیل می‌داند و این پایان را مناسب با سرآغاز سوره و سیاق بلند آن معرفی می‌کند. (277/1)

به باور سید قطب در سوره نمل نیز میان آغاز و انجام سوره ارتباط موضوعی وجود دارد و داستان‌های یاد شده میان این دو را در ارتباط با آغاز و انجام می‌شناسد. (2917/5)

آغاز و انجام سوره یونس نیز با یکدیگر پیوند دارد. آغاز در مورد وحی است و انجام نیز در مورد وحی. (1725/3)

چنان که میان آغاز و انجام سوره طه، اسراء، کهف، عنکبوت، سبأ و ... پیوند وجود دارد. (2358/4؛ 2254/4؛ 2257/4 و 2259؛ 2719/5؛ 2917/5)



افزون بر ارتباط یاد شده، نویسندگان در لابل میان مقاطع مختلف یک سوره نيز ارتباط برقرار می‌کند. برای نمونه آخرین آیه مقطع اول سوره بقره (آیات 1-29) را با تمامی آیات مقطع دوم (آیات 30-39) در ارتباط می‌بیند.

در آخرین آیه مقطع نخست از آفرینش مخلوقات زمینی برای انسان سخن گفته شده است؛ (هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ) (بقره/29) و در مقطع دوم به قصه جانشینی آدم در زمین، برتری آدم بر فرشتگان، وصیت، نسیان، پشیمانی، توبه، هدایت، مغفرت و نبرد شرّ و خیر اشاره شده است و به این مناسبت به داستان بنی اسرائیل، عهد خدا با ایشان، پیمان شکنی آنها، حذر دادن مؤمنان از کید ایشان، محرومیت آنها از خلافت و پرهیز دادن از کید ایشان می‌پردازد. (65/1)

تقسیم بندی آیات

سید قطب برای دسته بندی آیات سوره‌های قرآن از کلماتی چند بهره می‌گیرد که آن کلمات عبارتند از:

1. شوط

نویسنده تفسیر فی ظلال برخی سوره‌های قرآن را دارای چند «شوط» می‌داند. برای نمونه برای سوره نور پنج شوط (2486/4)، برای سوره عنکبوت سه شوط (2719/5)، برای سوره حدید دو شوط (3477/6)، برای سوره روم شش شوط (2755/5) و برای سوره سبأ پنج شوط می‌آورد. (2890/5) شوط اول سوره سبأ آیات 1-9، شوط دوم آیات 10-21، شوط سوم آیات 22-27، شوط چهارم آیات 28-42 و شوط پنجم آیات 43-54.

هم ایشان شمار دیگری از سوره‌ها را تک شوط می‌خواند و برای تقسیم بندی آیات سوره از کلمات دیگری سود می‌برد. برای نمونه سوره اسراء را که از مقدمه، قصص و تعقیبات شکل گرفته است، دارای یک شوط می‌داند و تقسیم بندی آیات را در قالب جوله و فقره می‌آورد. (2584/5) سوره احقاف را دارای چهار شوط به

هم پیوسته می‌داند، به گونه‌ای که از شدت اتصال و در هم تنیدگی تک شوط می‌نماید، اما تک شوطی که خود از چهار مقطع شکل گرفته است (3256/6) و سوره فاطر را تک موضوع می‌شناسد و گروه بندی آیات آن را بر اساس موضوع دشوار می‌بیند (2918/5) و از این جهت این سوره را در شمار سوره‌های تک شوط قرار می‌دهد. (2920/5)

بنابراین سوره‌های تک شوط، تک موضوع خواهند بود و سوره‌های چند شوط چند موضوع. هر دسته از آیات یک سوره که با عنوان شوط معرفی می‌شود، اشاره به یک موضوع خواهد داشت که گاه این موضوعات پرارتباط با یکدیگر می‌نمایند و گاه کم ارتباط.

2. جوله

«جوله» اصطلاح دیگری است که سید قطب برای تقسیم بندی سوره‌ها به کار می‌برد. برای نمونه سوره حجر را به پنج جوله تقسیم می‌کند (2122/4) و سوره بقره را شکل گرفته از چندین جوله می‌داند که نخستین جوله آن از آیه یکم شروع شده و به آیه بیست و نهم ختم می‌شود. (54/1)

در تفسیر فی ظلال هر جوله نشان از وجود یک موضوع دارد، از این رو نویسندگان این تفسیر هر جوله را به صورت مستقل به تفسیر می‌نشینند. اما در برخی موارد که میان دو جوله ارتباط شدید می‌بیند، هر دو یا چند جوله را ذیل یک درس بیان می‌کند. برای نمونه چهار جوله سوره لقمان را در دو درس بیان می‌کند و علت این کار را ارتباط عمیق هر دو جوله با هم می‌داند. (2783/5)

هر چند سید قطب برای تقسیم بندی آیات سوره‌ها گاه از واژه «جوله» سود می‌برد و گاه از واژه «شوط»، اما در تفسیر ایشان نشان‌هایی از این همانی این دو واژه وجود دارد. برای نمونه در تفسیر سوره سبأ از وجود چند شوط سخن می‌گوید، اما به هنگام دسته بندی آیات برای برخی دسته‌ها عنوان جوله می‌آورد. او آیات 22-27 این سوره را یک جوله کوتاه می‌خواند و پس از تفسیر این جوله می‌گوید: «به آنچه گفته شد، این شوط کوتاه تمام شد.» (2906/5)



3. مقطع

عنوان دیگری که سید قطب برای تقسیم بندی آیات به کار می‌برد «مقطع» است. او در جای جای تفسیر خویش آیات سوره‌های قرآن را به مقاطع گوناگون تقسیم می‌کند. برای نمونه آیات 2-29 بقره را یک مقطع می‌شناسد.

به باور سید قطب در دسته بندی آیات ذیل عنوان مقطع، وحدت موضوع یا غرض ضروری نیست، به این جهت در برخی مقاطع چندین موضوع به بحث گرفته شده و از وحدت موضوع یا غرض واحد خبری نیست. (179/1)

نویسنده تفسیر فی ظلال گاه برای یک سوره چند مقطع می‌آورد و موضوع مقاطع را نیز بیان می‌کند، اما در دسته بندی آیات و جدا سازی آنها از یکدیگر تعداد مقاطع را بیش از مقاطع یاد شده می‌آورد.

برای نمونه سوره توبه را به شش مقطع تقسیم می‌کند (مقطع نخست آیات 1-28، مقطع دوم آیات 29-35، مقطع سوم آیات 38-41، مقطع چهارم آیات 42-92، مقطع پنجم آیات 97-110 و مقطع ششم آیات 112-129)، اما در دسته بندی آیات هشت مقطع می‌آورد. او آیات 36-37 و آیات 93-96 را به عنوان دو مقطع می‌آورد. (1650/3)

افزون بر این در برخی موارد تعداد آیاتی که در مقدمه سوره برای یک مقطع می‌آورد، کمتر از تعداد آیاتی است که به صورت مستقل و دسته بندی و پررنگ عرضه می‌دارد. برای نمونه در مقدمه سوره توبه، مقطع چهار تا آیه 85 این سوره ادامه دارد، اما در دسته بندی، این مقطع تا آیه 92 سوره توبه ادامه می‌یابد.

به باور سید قطب ریختن چند آیه در قالب یک مقطع به معنای جدایی این مجموعه از مقاطع قبل و بعد این مقطع نیست، بلکه در برخی موارد ارتباط میان دو مقطع بسیار شدید است و مقطع دوم امتداد مقطع اول است. برای نمونه آیات 128-135 انعام در پیوند شدید با آیات قبل و امتداد آن آیات است. (1206/3) چنان که مقطع 136-153 از سوره انعام را به مقطع 154-165 همان سوره ارتباط می‌دهد و مقطع دوم را تکمله مقطع اول می‌شناسد.

نویسنده فی ظلال در مواردی که سوره، موضوع یا شخصیت واحد دارد، از تقسیم آیات در قالب مقاطع پرهیز دارد و سوره را دارای امواج می‌داند. برای نمونه از تقسیم آیات سوره انعام پرهیز می‌کند و این سوره را دارای موج‌هایی می‌داند که هر موج با موج‌های دیگر پیوند برقرار می‌کند. (1022/2)

چنان که هم ایشان سوره فاطر را تک موضوع می‌خواند و تقسیم آیات آن را در قالب مقاطع تنها با هدف آسانی تفسیر آیات و فهم مخاطب می‌داند، نه آنکه هر مقطع ناظر به موضوعی خاص باشد و این سوره از چند مقطع متفاوت شکل گرفته باشد. (2920/5)

4. موج

«موج» یکی دیگر از واژه‌هایی است که سید قطب برای تقسیم بندی آیات با هدف سهولت تفسیر آیات قرآن به کار می‌برد. این کلمه بیشتر در تقسیم سوره‌هایی به کار می‌رود که سوره موضوع واحد دارد و ریختن آیات سوره در قالب مقاطع امکان پذیر نیست.

برای نمونه سوره انعام تک موضوع است و تمامی آیات آن بر محور همین موضوع واحد می‌چرخد، از این رو تقسیم آیات این سوره به چند مقطع ناممکن است. در نتیجه این سوره دارای چند موج خواهد بود که هر موج مکمل موج قبلی است و با پایان یافتن پنج موج، موضوع سوره نیز شکل می‌گیرد. (1029/2)

5. درس

«درس» عنوان دیگری است که در تقسیم بندی آیات سوره به کار می‌رود. از این عنوان بیشتر وقتی استفاده می‌شود که میان آیات ارتباط وجود داشته باشد. بر این اساس نویسنده فی ظلال در برخی موارد که یک سوره را به چند قسمت تقسیم کرده است، آن قسمت‌ها را در چند درس به تفسیر می‌گیرد. برای نمونه سید قطب سوره لقمان را به چهار جوله تقسیم می‌کند و از آن جهت که میان هر دو جوله پیوند شدیدی می‌بیند، هر دو جوله را یک درس می‌خواند و تمام سوره



لقمان را در دو درس تفسیر می‌کند. (2783/5) چنان که در مواردی دیگر به یک مجموعه از آیات قرآن یک درس می‌گوید. (125/1 و 139؛ 1471/3) نویسنده تفسیر فی ظلال نه تنها میان مطلع برخی از دروس با موضوع و محور سوره ارتباط می‌بیند که افزون بر این، میان مطلع یک درس و موضوعات درس پیشین نیز پیوند می‌بیند. (657/2)

6. شطر

عنوان دیگری که نویسنده تفسیر فی ظلال برای تقسیم بندی آیات قرآن به کار می‌برد، کلمه «شطر» است. برای نمونه در این تفسیر مجموعه آیات 1-29 سوره بقره یک شطر خوانده شده است. در نگاه نویسنده فی ظلال عنوان شطر کوچک‌تر از عنوان جوله و عنوان مقطع کوچک‌تر از شطر است. از این رو ممکن است یک جوله چند شطر باشد. چنان که آیات 40-74 بقره شطر نخست یک جوله بزرگ شناخته می‌شود (64/1) و بر این اساس دو یا چند مقطع یک شطر خوانده می‌شود.

منابع و مأخذ:

1. سید قطب؛ فی ظلال القرآن، بیروت، دارالشروق، 1400ق.
2. شاطبی، ابواسحاق؛ الموافقات فی اصول الشریعة، بیروت، دار الکتب العلمیه، بی تا.